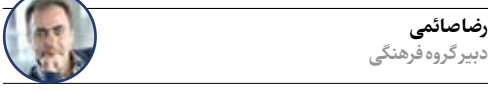


جامعه‌شناسی علاقه ایرانیان به فیلم هندی

وقتی فیلم‌مان یاد هندوستان کرد

یادداشت



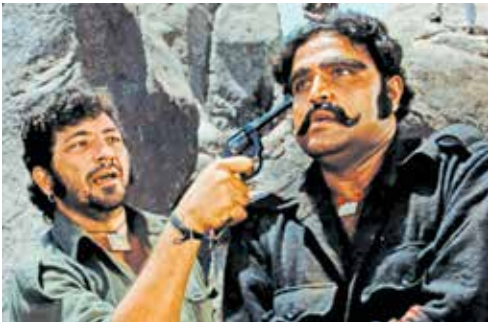
رضاصافی

دبیر گروه فرهنگی

گرچه حالا «فیلم هندی» چیزی شبیه به واژه یا اصطلاح «فیلم‌فارسی» در ادبیات سینمایی ما شده که به فیلم‌های سطحی و کلیشه‌ای اطلاق می‌شود اما طرح این پرسش که چرا ایرانی‌ها فیلم هندی دوست دارند، ناظر بر سینمای هنداست نه آنچه تحلیلگران سینمایی از فیلم‌های هندی‌مردمی کنند. فارغ از همه تفاوت‌ها و تشابهاتی که می‌توان بین سینمای ایران و هند یافت، در هر دو کشور سینما یک صنعت و سرگرمی جذاب و محبوب است و بین مخاطبان ایرانی و هندی می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های مشترکی یافت و بخشی از این علاقه که حالا شاید دوطرفه هم شده باشد به همین علت برمی‌گردد.

البته در تعاریف آکادمیک، سینمای هند قلمرو وسیع‌تری دارد و عبارت است از فیلم‌هایی که در سراسر شبه‌قاره هند تولید می‌شود که شامل فرهنگ سینمایی مناطق آندرا پرادش، آسام، بهار، گجرات، هاریانا، جامو و کشمیر، جارکند، کارناتا‌کا، مهاراشترا، کرالا، مانیپور، ادیشا، پنجاب، راجستان، تامیل نادو، اوتار پرادش و بنگال غربی می‌شود. همین خرده‌فرهنگ‌های متنوع و بومی در این شبه‌قاره، ظرفیت این سینما را از حیث سوزه‌یابی یا یافت جغرافیایی و فرهنگی جهان سینمایی گسترش داده که از این حیث با کشور ما و تنوع قومی و زبانی که در آن وجود دارد سختی داشته و این شباهت در مناسبات سینمایی آنها نیز سرریز می‌شود. فیلم‌های هندی با ورودشان سرتاسر آسیای جنوبی، خاورمیانه بزرگ، آسیای جنوب شرقی و شوروی سابق راتحت سیطره خویش درآوردند. سینما در هند به عنوان یک رسانه به سرعت محبوبیتی عمومی یافت به شکلی که سالانه بیش از ۱۰۰۰ فیلم به زبان‌های مختلف هندی در این سینما تولید می‌شود. این سینما در کشورهایی چون انگلستان و ایالات متحده آمریکا، از میان مهاجران، مخاطبانی بین‌المللی با زبان‌های مختلف یافته است.

در قرن بیستم، سینمای هند در کنار هالیوود و سینمای چین به جایگاهی جهانی دست پیدا کرد. در پایان سال ۲۰۱۰ گزارش داده شد که از نظر تولید سالانه، سینمای هند در رتبه اول قرار دارد و پس از آن سینمای نیجریه (نالیوود)، هالیوود و سینمای چین در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در حقیقت، فناوری پیشرفته راه را برای گذشتن این سینما از هنجارهای معین سینمایی در به دست دادن محصول و تغییر دادن ذائقه مخاطبان، بازکرده است؛ هند بزرگ‌ترین تولیدکننده فیلم در جهان است. در سال ۲۰۰۹، هند در مجموع ۱۲۹۶۱ فیلم سولوتولیدی ساخت که شامل ۱۲۸۸ فیلم بلندی می‌شده است؛ اما آنچه که موجب می‌شود مخاطبان ایرانی به فیلم‌های هندی علاقه‌مند باشند باید در روانشناسی فرهنگی دو ملت جست‌وجو کرد. با اینکه باید این را هم به یاد داشت که این علاقه در گذشته بیشتر بوده و عاشقان سنتی سینمای هند در ایران به فیلم‌های امروزی سینمای هند انتقاد دارند که شبیه به سینمای غرب شده و کمتری می‌توان از نشانه‌های فرهنگ اصل هندی در آن سراغ گرفت. فارغ از عوامل سینمایی، جایگاه زبان فارسی در هند می‌تواند به عنوان عامل فرامتنی یا زیرساختی در کشش بین دو ملت تأثیر بگذارد. از حیث مخاطب‌شناسی سینما نیز ملودرام بویژه ملودرام‌های خانوادگی و عاشقانه بین مردم دو کشور طرفدار زیادی دارد بویژه ملودرام‌های اشک‌آور.



سختی‌های فرهنگ شرقی را هم باید به این عوامل اضافه کرد که موجب می‌شود مخاطبان دو کشور موقعیت‌های درام یا ترازیک همچنین شخصیت‌ها و قهرمان‌های سینمایی یکدیگر را بهتر درک کرده و دوست داشته باشند. با اینکه ایرانیان به پایان خوش قصه‌ها و فیلم‌ها علاقه دارند و این عنصر در فیلم‌های هندی پررنگ است، اهمیت نهاد خانواده، همبستگی‌ها و دلبستگی‌های عاطفی نیز ازجمله عوامل فرهنگی و رفتاری هستند که گرایش مخاطب ایرانی به تماشای فیلم هندی را بیشتر می‌کند. البته در شرایط کنونی، هندی‌ها نیز به سینمای ایران و بازیگران آن علاقه‌مند هستند که محبوبیت محمدرضا گلزار در هند را می‌توان یکی از مصداق آن دانست. او که در فیلم «سلام بمبئی» حضور داشته و یا یک بازیگر هندی همبازی شده از سوی سینماگران هندی با چند پیشنهاد مواجه شده و تیپولوژی او با استراتژی فیلم‌های هندی همخوانی دارد. جالب اینکه این حس متقابل از سوی هندی‌ها به سینمای ایران هم هست. نمونه‌اش همین خانم دیا میرزا بازیگر هندی فیلم «سلام بمبئی» است که اعلام کرده است: «همیشه فیلم‌های ایرانی را دنبال می‌کردم. در میان فیلمسازان ایرانی بیشتر به آثار عباس کیارستمی و مجید مجیدی علاقه‌مندم».

مجیدی درباره سینمای هند حرف‌هایی زده که بخشی از علاقه ایرانی‌ها ازجمله فیلمسازان ایرانی به سینمای هند یا فیلمسازی در هند را می‌توان در آن بازتابی کرد. به گفته مجیدی: «روچی نامیرا در مردم این کشور وجود دارد و امید آنها برای زندگی با وجود همه سختی‌ها باورکردنی نیست. براین باورم که هند داستان‌های زیادی برای گفتن دارد و تنوع فرهنگی و مردمی که از قلمروهای مختلف هستند، سرمنشأ این داستان‌ها هستند» همین حس امید و مبارزه در دل سختی‌ها و بدبختی‌ها که مجیدی به آن اشاره می‌کند به عنوان یک کشش و موقعیت مورد علاقه مخاطبان ایرانی هم هست که می‌تواند سینمای هند را برای آنها جذاب کند. با اینکه نوعی نوستالژی در ارتباط با فیلم هند وجود دارد که از گذشته شکل گرفته و بویژه با برخی فیلم‌های هندی به خاطره‌ای ماندگار بدل شده است. مثلاً هنوز هم «شعله» یا «بگذازر گریه کنم» یا فیلم «قانون» به عنوان فیلم‌های محبوب هندی در نزد ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارند. خود مجیدی هم شناختش را از سینمای هند به تجربه‌های گذشته مرتبط می‌داند و می‌گوید: «من سینمای هند را از وقتی خیلی جوان بومدم تماشای کردم. احساس نزدیکی زیادی به رای و فیلم‌هایش داشتم و انسان دوستی او را تحسین می‌کردم. با شایم بنگال و آنازاش هم خوب آشنا هستم. آثار میرنال سن را هم دیده‌ام».

درواقع تأکید مجیدی به عنوان یک فیلمساز ایرانی به سینمای هند بر سوبه شناختی و انسان‌شناسانه مشترکی است که بین یک مخاطب ایرانی با مؤلفه‌های سینمای هند وجود دارد. شاید به همین علت است که فیلم‌ها و سریال‌های ژانری و کردارهای هم در ایران طرفدار دارد. در عبارت دیگر اشتراکاتی در زیست‌جهان بین ملل شرق ازجمله بین ایران و هند که مشترکات فرهنگی زیادی هم دارند موجب شده تا جهان سینمایی آنها نیز دست‌کم در بازمانی و ترسیم محتوایی اثر و درون‌مایه و مضمون آن به هم نزدیک و شبیه شود و این مسأله امکان همذات‌پنداری بیشتری مثلاً نسبت به سینمای غرب در مخاطبان ایرانی ایجاد می‌کند و سینمای هالیوود در کنار سینمای هالیوود به دو نوع متفاوت اما جذاب و پرکشش برای مخاطب ایرانی بدل می‌شود.



به بهانه ۵۰ سالگی فیلم هندی شعله فیلمی که تبدیل به یک خاطره جمعی شد

گزارش

گروه فرهنگی - فیلم «شعله» چنان در حافظه سینمایی و تاریخی ایرانیان ماندگار شده که خیلی‌ها سینمای هند را با تداعی این فیلم به یاد می‌آورند. در روزگار ممنوعیت ویدیو و ردیویدل شدن توارهای پتاکس و وی‌اچ‌اس به صورت زیرزمینی، فیلم شعله یکی از محبوب‌ترین فیلم‌هایی بود که بین خانواده‌ها دست‌به‌دست

صداپیشگان نامتعارف فیلم شعله
دوره اکران فیلم شعله، دوبله ایران در دوران طلایی اش به سر می‌برد و دوبله فیلم‌ها گاهی از خود آثار هم جلو می‌زد. در چنین شرایطی انتظار می‌رفت بهترین دوبلورهای آن زمان فیلم را دوبله کنند، اما چنین نشد. بنابر تصمیم مدیر دوبلاژ فیلم (ابوالحسن تهامی‌نژاد)، تنها ستاره دوبلور فیلم «چنگیز جلیلودن» بود و سایر صداپیشه‌ها بازیگران سینمای ایران بودند؛ بهروز به‌نژاد، اکبر نجانبیرو، فرزانه تأییدی و خسروشکبیایی.

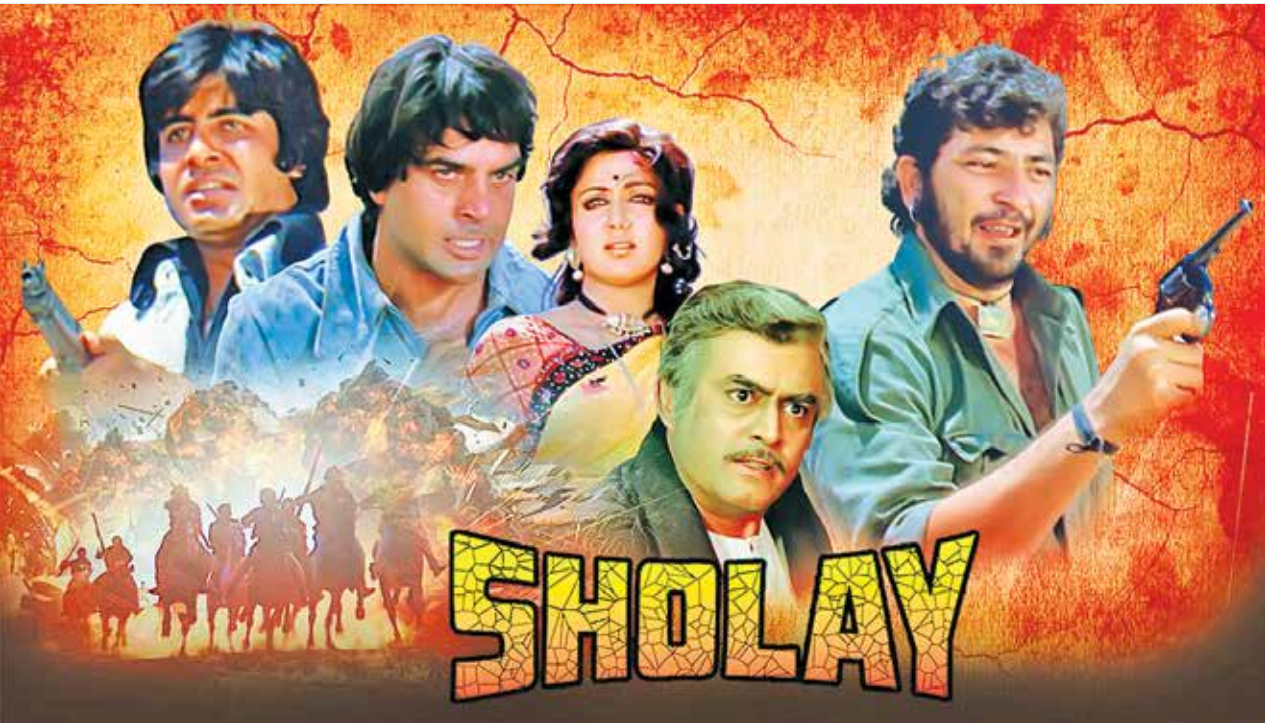
آهنگ ۲۱ روزه

آهنگ محبوب «به دوستی» را که یادتان هست؟ تنها سکانس فیلمبرداری این آهنگ در فیلم ۲۱ روز طول کشید. سکانسی که در آن شخصیت «رادا» یک چراغ نفتی روشن می‌کند هم ۲۰ روز به طول انجامید و معلوم نیست کارگران دقیقاً چه کاری انجام می‌داده!

ترس از سانسور فیلم شعله
کاراکتر «تا‌تاکور» قرار بود ابتدا یک نظامی بازنشسته باشد، اما در نهایت تبدیل شد به یک پلیس بازنشسته؛ چرا که سازندگان فیلم فکرمی‌کردند در صورت نظامی بودن این شخصیت، فیلم شعله مجوز ساخت نخواهد گرفت.

جبار سینگ واقعی

در دهه ۵۰ واقعاً یک راهزن مسلح به نام «جبار سینگ» در هند وجود داشته که یکی از عادت‌های زشتش، بردن گوش و دماغ



به بهانه ۵۰ سالگی فیلم هندی شعله فیلمی که تبدیل به یک خاطره جمعی شد

می‌شد. شعله نه فقط در ایران و خود هند، که در بسیاری دیگر از نقاط جهان هم دیده و تحسین شد و تا سال‌ها پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای هندوستان در داخل و خارج از این کشور بود. این حماسه پرشور در باب رفاقت و انتقام با وجود زمان وحشتناک طولانی‌اش (سه ساعت و ۴۰ دقیقه!) از ریتم کمی افتد، حوصله‌تان را سر نمی‌برد و پارها احساسات‌تان را برمی‌انگیزاند. «رامش سینی» کارگردان و «سلیم جاوید» نویسنده، موفق به خلق اثری شدند که در جشن صدسالگی بالیوود به عنوان بهترین محصول این نظام سینمایی معرفی شد. حالا این فیلم پنجاه ساله شده و به همین بهانه به این فیلم و ابعاد مختلفش پرداختیم.

نیروهای اسیر پلیس بوده است!

شیطنت‌پرو

در طول فیلمبرداری، «ادرمندار» بازیگر نقش ویرو که یک دل‌نه‌صددل عاشق «همامالینی» شده بود، یواشکی به دستیاران نورپردازی پول می‌داد تا هنگام فیلمبرداری در صحنه‌های مشترک او با هما خرابکاری کنند که صحنه دوباره فیلمبرداری شود! این ۲ نفر ۵ سال بعد از اکران فیلم باهم ازدواج کردند!

جاذبه توریستی

شهر خیالی «رامانگار» که در ۵۰ کیلومتری بنگلور واقع شده بود، هنوز به خاطر اینکه لوکیشن فیلم شعله بود به همین اسم نامیده می‌شود. حتی صخره‌های اطراف منطقه هم «صخره‌های شعله» نام گرفته و یکی از جاذبه‌های توریستی منطقه است.

اولین‌های فیلم شعله

فیلم شعله صاحب ۲ رکورد دیگر هم در سینمای هند هست؛ اولین فیلم ۷۰ میلیمتری و نیز اولین فیلمی بود که با صدای استریوفونیک ساخته شد.

سانسور پایان فیلم شعله

هیات سانسور فیلم که اعتقاد داشت پایان فیلم «وحشتناک است»، از سازندگان خواست تا آن را دوباره فیلمبرداری کنند. در

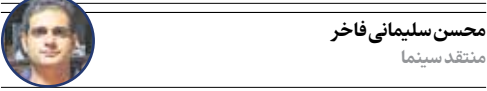
فرهنگی

چرا «شعله» هندی

دل ایرانی‌ها را ربود؟

یک فیلم، دومت

یادداشت



محسن سلیمانی فاخر

منتقد سینما

فیلم «شعله» ساخته رامش سببی در سال ۱۹۷۵، فقط یک اثر سرگرم‌کننده سینمایی در هند نبود؛ بلکه به یک پدیده اجتماعی در سرتاسر شبه‌قاره تبدیل شد. این فیلم که رکوردهای متعددی در گیشه ثبت کرد، در ایران هم به طرز عجیبی محبوب شد و به بخشی از خاطره جمعی نسل‌های متوالی ایرانی‌ها تبدیل شد. این موضوع پریشی جذاب را در ذهن هر فرهنگ‌پروه ایجاد می‌کند: چرا فیلمی که از دل جامعه هند و با مؤلفه‌های بومی هندی برگامده بود، در ایران چنین مورد اقبال قرار گرفت؟

موفقیت فیلم «شعله» در ایران را نمی‌توان تنها با فرمول‌های سطحی مثل «آواز و رقص» یا «اکشن قهرمانانه» توضیح داد. این فیلم در واقع مجموعه‌ای هوشمندانه از عناصر انسانی جهان شمول را با ویژگی‌های بومی هند (آیین‌ها، رقص، رنگ، ترکیب کرده و به یک محصول «فراملی» بدل شده است.

تماشاگر ایرانی که همواره به دنبال پهلوانی است تا بر ظلم پیروز شود، در دل روابط عاطفی و طنزآلود فیلم، خاطره‌های فرهنگی خودش را پیدا می‌کند. به همین خاطر است که دهه‌ها از نخستین اکران «شعله» گذشته، اما هنوز در ایران هرجا صحبت از فیلم‌های نوستالژیک هندی می‌شود، نام این فیلم با حسرت و لبخند تکرار می‌شود. برای پاسخ به این سؤال، می‌توان به چندین پارامتر کلیدی اشاره کرد که ترکیبی از جذایت‌ها و قرابت‌های فرهنگی و حتی نیازهای روان و جامعه‌شناختی مخاطب ایرانی را شامل می‌شود.

۱. قهرمان خواهی و پیروزی خیربر شر

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جذابیت این فیلم، حضور پررنگ الگوی قهرمانانه است. اصولاً سینمای عامه‌پسند (هم در ایران و هم در هند) بر محوریت قهرمان بنا می‌شود. جامعه ایرانی که در طول تاریخ با اساطیر، شاهنامه‌خوانی، حماسه‌های ملی و دینی بزرگ شده، همواره به دنبال «قهرمانی» است که در نهایت پیروز میدان شود. قهرمانی که در مقابل ظلم بایستد و شر را شکست دهد. در «شعله» این تصویر به روشنی تجسم یافته: باوایغی اصلاح‌ناپذیر (ویرو و جای) به مأموریتی دست می‌زند که در آن خیر نهایی پیروزی می‌شود و نماد شر به سزای اعمالش می‌رسد.

پیروزی قاطع خیربر شر، آن هم به شکلی پرهیجان و سینمایی، همان فینال سرخوشانه‌ای است که مخاطب ایرانی به طور ناخودآگاه انتظارش را می‌کشد. این قهرمان دوستی به نوعی با «نسلی اجتماعی» همراه است. مردم در زندگی واقعی شاید کمتر شاهد پیروزی‌های عادلانه باشند، پس این پیروزی‌های نمایشی را جانشین روانی می‌کنند.

۲. رفاقت، مردانگی و جوانمردی

رفاقت میان ویرو و جای یکی از ستون‌های اصلی درام است. نمایش یک دوستی عمیق که تا نای جان پیش می‌رود، همراه با شوخی‌ها و حمایت‌های برادرانه، چیزی است که در ناخودآگاه فرهنگی ما هم جایگاه دارد. چه در نقل‌های شاهنامه‌ای (رستم و زوهره)، چه در داستان‌های عرفانی (شیخ صنعا و مریدانش) و چه در فرهنگ کوچه‌بازاری (لوطی‌گری و مرام). این نوع تصویرسازی از «جوانمردی» و «وفاداری» دقیقاً همان چیزی است که تماشاگر ایرانی در ناخودآگاه خود می‌طلبد.



۳. انتقام، تاون و عدالت

مسأله انتقام‌گیری از جبار سینگ که ظلم و قتل را در روستا به اوج رسانده و در نهایت صحنه پایانی که تاکور-که خودش بازمانده مصیبتی است که جبار بر او روا داشته- عدل را برقرار می‌کند، حس خوشایندی را در مخاطب ایرانی تحریک می‌کند. در جامعه‌ای که خیلی وقت‌ها احساس بی‌عدالتی غالب است، نمایش چنین قصه‌ای که بالاخره ظلم، تاون خود را پس می‌دهد، نوعی ارضای روانی را به همراه دارد.

۴. آواز، رقص و عشق

گرچه برخی سینمادوستان ایرانی به اصطلاح «سینمای آهنگ و رقص» هند را سطحی می‌دانند، اما واقعیت این است که برای توده مردم، موسیقی و آواز جذاب‌ترین راه فرار از واقعیت‌های تلخ است. در «شعله» ترانه‌های عاشقانه، رابطه‌های احساسی ویرو با «بستی» و جای با «رادا» را به اوج می‌برد. موسیقی و رقص در این فیلم، نه فقط زینتی، بلکه دراماتیک و مکمل داستان است. در ایران هم از قدیم تعزیه، نقالی، شبیه‌خوانی (ترکیب موسیقی و روایت رواج داشته است. شاید به همین دلیل مخاطب ایرانی در ناخودآگاه خود، چنین شکلی از روایت همراه با آواز را دور از ذهن نمی‌یابد.

۵. تعلیق و پیچیدگی روایی

فیلم «شعله» صرفاً خطی و ساده روایت نمی‌شود. کشمکش‌ها، غافلگیری‌ها و عوض شدن مکرر کفه پیروزی و شکست، مخاطب را مدام در حالت انتظار نگه می‌دارد. تعلیق و غیرقابل پیش‌بینی بودن وقایع باعث می‌شود تماشاگر ایرانی که به داستان‌های «هزار و یک شب» و قصه‌های تو در تو خو کرده، معذوب این روند شود.

۶. زمینه‌های طبقاتی و قهرمان‌سازی از فرودستان

دو شخصیت اصلی، سابقه‌ای خلاقارانه دارند. اما در این فیلم، خلاقکاران خرده‌پا به قهرمان تبدیل می‌شوند. این نوع «وارونگی اجتماعی» که طبقه فرودست را نا‌حی معرفی می‌کند، در فرهنگ عامه ایرانی هم مقبول است. از شخصیت‌های فیلم‌فارسی گرفته تا حماسه‌های شفاهی که لوطی و جاغل را «مرام‌دار» و «دست‌گیر مظلوم» معرفی می‌کند.

۷. فرار از واقعیت و نیاز به فانتزی

سال‌های اکران و سپس پخش مکرر «شعله» در ایران، غالباً همزمان بود با دوره‌های بحرانی (از جنگ گرفته تا تورم و بحران‌های اجتماعی). این فیلم با لوکیشن‌های زیبا، اکشن‌های پرتحرک، رقص‌های شاد و پایان خوش، بستری برای «فرار روانی» فراهم می‌کرد؛ چیزی که امروز هم بخش بزرگی از مصرف فیلم و سریال در ایران را توضیح می‌دهد.

۸. مشابهت‌های فرهنگی عمیق ایران و هند

اگر کمی عمیق‌تر نگاه کنیم، ایران و هند اشتراکات تاریخی و فرهنگی وسیعی دارند: از شعرو عرفان و حکمت گرفته تا روح جمع‌گرایانه و اهمیت خانواده. حتی قصه‌های فولکلور دو کشور پر از شخصیت‌های افسانه‌ای، قهرمانان بزرگ و روایت‌های انتقامی است. این اشتراکات باعث می‌شود یک فیلم هندی، برای تماشاگر ایرانی ناآشنا نباشد و خیلی راحت با آن همذات‌پنداری کند.